

نقش قرآن در زندگی انسان از نگاه اهل بیت علیهم السلام

حجت الاسلام والمسلمین فرج الله میرعرب *

اشاره

آشنایی با نگرش اهل بیت علیهم السلام نسبت به قرآن، بسیار مهم و نقش آفرین است؛ زیرا کسی که مخاطب اولیه قرآن است^۱ و این کتاب آسمانی در خانه او نازل شده، آن را بهتر از دیگران می‌شناسد. روایات، سیره عملی و موضع‌گیری اهل بیت علیهم السلام، به روشنی نشان می‌دهد که آنان، قرآن را رکن اساسی اسلام، معجزه جاویدان، محور هدایت و پشتوانه اصلی رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، مرجع دینی، علمی و فقهی و راه و روش عملی می‌دانسته‌اند. از نظر اهل بیت علیهم السلام، قرآن چنان جایگاهی دارد که با هیچ کتابی نمی‌توان آن را مقایسه نمود؛ زیرا کلام خداست و او نیز با هیچ کس قابل مقایسه نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فَضَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ»^۲ برتری قرآن بر سخنان دیگر، مانند برتری خداوند بر

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. امام باقر علیه السلام: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوِّطَ بِهِ.» (شیخ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۲)

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۷.

مخلوقاتش است.» در روایتی از آن حضرت آمده است: «القرآن أفضل كل شيء دون الله؛^۱ قرآن، به جز خداوند، برتر از هر چیزی است.» به همین دلیل، از نظر آن مقربان درگاه الهی، همه باید در بزرگداشت قرآن بکوشند؛ چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «فَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَقَدْ وَقَرَ إِلَهَهُ، وَمَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْقُرْآنَ فَقَدْ اسْتَحَفَّ بِحُرْمَةِ اللَّهِ؛^۲ آن کس که قرآن را بزرگ بشمارد، خداوند را بزرگ داشته و کسی که قرآن را بزرگ نشمارد، حرمت خداوند را سبک شمرده است.»

بنابراین، پیروان اهل بیت علیهم السلام باید اعتقاد خود را بر اساس نظر آن بزرگواران تنظیم کنند و آن گونه که روایات اهل بیت علیهم السلام گواه آن است، قرآن در تمام ابعاد زندگی انسان رهنمودهای تعیین کننده دارد و برنامه‌ای جامع و جاویدان برای سعادت دنیا و آخرت آدمی ارائه کرده است و در واقع، راه حل تمام مشکلات بشر را در خود جای داده و می‌تواند او را به هدف عالی خلقت برساند.

در این مجال، به بیان چند ویژگی قرآن از نگاه اهل بیت علیهم السلام می‌پردازیم که توجه به آنها، مورد نیاز جامعه و مردم است.

۱. همراهی قرآن و اهل بیت علیهم السلام

از صدر اسلام دو نگاه مهم در مورد قرآن وجود دارد: ۱. قرآن بسندگی؛ یعنی اکتفانمودن به قرآن؛ ۲. توجه به قرآن و اهل بیت علیهم السلام؛ به طوری که قابل جدایی از هم نیستند. یکی از مشکلات مهم عقیدتی در میان مسلمانان که سبب جنگ و خونریزی شده است، نگاه قرآن بسندگی یا شعار «حسبنا کتاب الله» است. در حدیث متواتر ثقلین، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نگاه صحیح به قرآن را چنین بیان کرده: «... کتاب الله و عترتی... لن یفترقا.»^۳ یعنی به عنوان یک اصل اعتقادی به همه یادآور شد که قرآن باید همراه اهل بیت علیهم السلام دیده شود. چنین قرآنی است که نجات‌بخش بوده، در فتنه‌ها راهگشا و کارساز است.

این نگاه نبوی، در اندیشه علوی نیز تجلی کرده است. از این رو، امام علی علیه السلام در مورد قرآن فرموده: «إِنَّ الْقُرْآنَ مَعَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَهُمْ التَّرَاجِمَةُ عَنْهُ، الْمُفَسَّرُونَ لَهُ، وَجَبَّ أَخْذُ ذَلِكَ عَنْهُمْ وَمِنْهُمْ،

۱. ابوالفتح رازی، روض الجنان، ج ۱، ص ۱۸.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۶.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَاسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱؛ قرآن، همراه اهل خانه خودش است و آنان روایتگران معارف قرآن از جانب رسول خدا هستند و [خودشان نیز] مفسران قرآن‌اند. پس، واجب است دریافت [نقل‌ها و تفسیرها و پرسش] از آنان؛ [چنان‌که] خدای تعالی فرمود: از اهل ذکر پرسید، اگر نمی‌دانید.»

القای این نگاه به مردم، نه تنها در گفتار، بلکه به شکل‌های مختلف انجام شده است. جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که گروهی از مردم یمن به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و مهمان ایشان شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: مردمی نزد شما آمده‌اند که زودرنج و دل‌نازک هستند؛ هر چند ایمانشان بسیار محکم است. حضرت در توصیف مردم یمن فرمود: آنها یاریگر اوصیای من هستند و شمشیرهایشان همیشه به‌گردنشان آویخته است. آنان پرسیدند: ای رسول خدا! وصی شما کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همان کسی است که خدا شما را [در آیه ۱۰۳ آل عمران] به تمسک جستن به او امر کرده است. آنان پرسیدند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ریسمان (حبل) [که در آیه آمده]، برای ما توضیح دهید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خود خدای تعالی در «إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ»^۲ توضیح داده که حبل و ریسمان، از جانب خدا کتاب او و قرآن است، و حبل انسانی و مردمی، وصی من است.^۴

پس، در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان باید در کنار قرآن، اهل بیت علیهم السلام را هم ببیند و به هر دو چنگ بزند و تمسک جوید. قرآنی که همراه با اهل بیت علیهم السلام است، آثار بسیار ارزشمندی دارد و دنیا و آخرت آدمی را آباد می‌کند.

۲. قرآن، تعهدنامه عمل

پس از اصلاح عقیده در مورد قرآن، نکته بسیار مهم از نظر اهل بیت علیهم السلام این است که این کتاب آسمانی برای عمل است و نه فقط خواندن. بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام، قرآن، پیمان‌نامه‌ای است که خدا میان خود و بندگانش نوشته است و انسان نیز این عهدنامه را امضا کرده و تعهد داده

۱. نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲.

۳. آل عمران، آیه ۱۱۲.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۳۹-۴۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۳-۸۴.

تا به آن عمل کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً.»^۱

این حدیث شریف، دو بخش دارد:

۱. قرآن، عهدنامه خدا با بندگان است: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ؛ قرآن، پیمان خدا برای بندگان خویش است.» بخش اول متذکر می شود که قرآن، صرفاً کتابی مانند سایر کتاب‌ها نیست که آن را مطالعه کنند و بعد تصمیم بگیرند که به چه بخشی عمل نمایند و چه بخشی را رها کنند؛ بلکه قرآن، عهدنامه و قراردادی است که اجرای آن لازم است. بر این اساس، روز قیامت هیچ کس نمی تواند بگوید من تعهدی نداده بودم که اعمالی مطابق دستورات خدا انجام دهم؛ زیرا خدای متعال احتجاج خواهد کرد که تو با فطرت و حقیقت وجودت، پیمان مرا امضا کردی.

۲. مداومت بر مرور دائمی عهدنامه، ضروری است: «فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً؛ پس، شایسته است مسلمان [برای عمل به مفاد عهدنامه] همیشه در عهدنامه خود با خدا بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.»

روشن است که اگر کسی قراردادی را مدت‌ها کنار بگذارد و متش را نخواند، شاید اصلش را هم فراموش کند؛ چه رسد به محتوای آن؛ به خصوص عهدنامه‌ای مانند قرآن که مشتمل بر تمام نیازهای زندگی انسان است و غفلت کوتاه مدت از آن نیز خسارت بار خواهد بود و بسیاری از وظایفی که هر انسانی قبول کرده انجام دهد، بر زمین خواهد ماند.

با توجه به چنین عهدی که خدا بر گردن بندگان گذاشته و آنها هم مفاد آن را قبول پذیرفته‌اند، اهل بیت علیهم السلام تذکر داده‌اند که مراقب باشیم از عمل به قرآن غفلت نکنیم. امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: «مَا بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةٌ غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يُدَلِّكُمُ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَحْفَظْهُ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرَأُهُ؛^۲ در دنیا غیر از این قرآن، چیزی نمانده است. پس، آن را پیشوای خود قرار دهید تا شما را هدایت کند. سزاوارترین مردم به قرآن، کسی است که به آن عمل کند؛ هر چند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین فرد از قرآن، کسی است که به آن عمل نکند؛ هر چند آن را بخواند.»

۱. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۴.

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۷۳.

در کلامی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز عمل نکردن به قرآن، سبب خشم الهی شمرده شده است: «وَمَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبُّ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا، اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ تَعَالَى...»^۱ کسی که قرآن را بیاموزد و به آن عمل نکند و دنیا دوستی و زینت آن را بر قرآن ترجیح دهد، سزاوار خشم خداوند است.»

گفتنی است، عمل، به معنای فقط نماز خواندن و روزه گرفتن نیست و کسی که صرفاً به عبادات قرآن توجه کند، از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام مردود است. در حدیثی آمده که چند نفر خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و خاطره سفر خود را گفتند و نقل کردند که ما با فلان مرد هم سفر بودیم. او مرد بسیار پاک و باخدایی بود، همیشه عبادت می کرد، در هر منزلی که فرود می آمدیم، از لحظه فرود تا زمان سوار شدن دوباره، او مشغول نماز و ذکر و قرآن بود. پیامبر صلی الله علیه و آله با تعجب از آنها سؤال کرد: پس، چه کسی کارهایش را انجام می داد؟ جواب دادند: ای رسول خدا! ما با کمال میل، همه کارهای او را انجام می دادیم. پیامبر فرمود: «كُلُّكُمْ خَيْرٌ مِنْهُ؛ همه شما از او بهترید.»^۲

بنابراین، افزون بر انجام دستورات عبادی قرآن، باید تکالیف فردی و اجتماعی دیگر را هم که در قرآن آمده، جامه عمل پوشانند و همه دستورات این کتاب انسان ساز را مورد توجه قرار داد.

۳. نفوذ قرآن در وجود انسان

از جمله مشکلات نسل امروز، پدید آمدن ابزارهای دورکننده آدمی از قرآن است. بسیاری از جوانان ما، سرگرم موبایل و فضای مجازی یا بازی های رایانه ای هستند؛ ولی نمی دانند که در این دوره، هر چه از بدی وارد وجود انسان شود، پاک کردنش مشکل است. اگر خدا و کلام او وارد وجود ما شود، خدایی می شویم و اگر شیطان و کلماتش وارد شوند، شیطانی. هرکس خواهان خدایی شدن است، باید به توصیه امام صادق علیه السلام عمل کند و آن این است که همراهی و عمل به قرآن را از جوانی آغاز نماید تا نور قرآن در سراسر وجودش نفوذ کند و به فرمایش حضرت با گوشت و خونس مخلوط گردد. امام علیه السلام فرموده: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ...»^۳ هر که در حال جوانی قرآن بخواند و با ایمان هم باشد، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می شود.»

۱. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۲.

۲. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۶۵.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

امام صادق علیه السلام گوشزد کرده که باید ارتباط با قرآن از زمانی شروع شود که دل انسان سخت نشده و در آن به روی معارف الهی باز است. این تعبیر، کنایه از نفوذ معارف قرآن در روح انسان است؛ وگرنه قرآن با ماده مخلوط نمی‌شود. مقصود، این است که معارف و نور قرآن، به دل و روح ما نفوذ می‌کند و در آن جای می‌گیرد؛ به گونه‌ای که جداکردنش از وجود ما مشکل می‌شود و همیشه با ما خواهد بود.

در این حدیث، به چند نکته بسیار مهم توجه شده است:

۱. قرائت قرآن در جوانی؛

۲. ایمان در جوانی: تعبیر «شاب مؤمن»، یعنی هم جوان باش و هم مؤمن؛

۳. جوان باایمان می‌تواند وجودش را قرآنی کند.

ادامه حدیث، برکات با قرآن بودن در جوانی را بیان نموده که توجه به آن، همه جوانان را نسبت به قرآن مشتاق می‌کند. امام می‌فرماید: اگر کسی در جوانی با قرآن باشد و قرآن را با توجه و معرفت بخواند، دو چیز نصیبش می‌شود:

الف. همراهی و رفاقت با فرشتگان: «وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ؛ خدای بلندمرتبه او را با فرشتگان پیغام‌برنده و نیک‌رفتارش رفیق می‌کند.»

ب. قرآن برای او در روز قیامت پرده و مانعی از آتش می‌شود و می‌گوید: «يَا رَبِّ إِنَّ كُلَّ عَامِلٍ قَدْ أَصَابَ أَجْرَ عَمَلِهِ غَيْرَ عَامِلِي فَبَلِّغْ بِهِ أَكْرَمَ عَطَايَاكَ قَالَ فَيَكْسُوهُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ حَلَّتَيْنِ مِنْ خَلَلِ الْجَنَّةِ وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْكِرَامَةِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ هَلْ أَرْضَيْتَكَ فِيهِ...؛ پروردگارا! هرکسی به مزد کار خویش رسیده، جز عمل‌کننده به من. پس، با ارزش‌ترین عطاهای خود را به او عطا کن! پس، خدای عزیز و جبار، دو جامه از جامه‌های بهشتی به او می‌پوشاند و بر سرش تاج کرامت قرار داده می‌شود. سپس، به قرآن گفته می‌شود: آیا [با این کار،] تو را راضی کردم؟...»

بدین ترتیب، اگر می‌خواهیم قرآن در زندگی ما نقش اساسی داشته باشد و ما را به سعادت و کامیابی برساند، بایسته است که از جوانی با قرآن انس بگیریم.

۴. نورانی‌کننده خانه و خانواده

مشکلات و اختلافات خانوادگی و همچنین نفوذ فرهنگ غربی، خانه‌های ما را ظلمانی کرده است؛ هرچند دوست داریم، خانه و خانواده‌ای نورانی داشته باشیم. از نظر اهل بیت علیهم السلام یکی از آثار همراهی با قرآن، تأمین همین هدف است. اگر واقعاً خواهان نورانی‌شدن خانه و خانواده خود

هستیم، با قراردادن قرآن بر روی طاقچه، چنین خواسته‌ای محقق نمی‌شود؛ بلکه باید صدای قرآن در خانه شنیده شود و اهل خانه با قرآن ارتباط نزدیک داشته باشند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده: «تَوَرَّأُوا بِيُوتِكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛^۱ خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید.»

امام صادق علیه السلام حد و حدود این نورانی شدن را بیان کرده و در واقع، حدیث جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله را توضیح داده است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَانَ فِيهِ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ يَتْلُو الْقُرْآنَ يَتَرَاءَاهُ أَهْلُ السَّمَاءِ كَمَا يَتَرَاءَى أَهْلُ الدُّنْيَا الْكُوكَبَ الدُّرِّيَّ فِي السَّمَاءِ؛^۲ خانه، آنگاه که انسان مسلمان در آن قرآن بخواند، در چشم آسمانیان چنان جلوه می‌کند که ستاره درخشان برای اهل دنیا نورافشانی می‌کند.»

اگر خانه‌ای به نور قرآن روشن شد، آثار این نورانیت مطابق فرمایش امیر مؤمنان، علی علیه السلام، عبارت است از:

۱. «تَكْتُمُ بَرَكَّتُهُ؛ برکتش زیاد می‌شود.

۲. وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ و فرشتگان به آن خانه درمی‌آیند.

۳. وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ؛ و شیاطین از آن دوری می‌جویند.»^۳

این حدیث شریف، نشان می‌دهد که قرآن مانند اشعه‌ای نافذ، ناپاکی‌ها و دشمنان ایمان را نابود می‌کند تا زمینه برای ورود خوبان و موجودات و نیروهای الهی به خانه ما فراهم شود.

۵. کتاب بصیرت‌افزایی

یکی از مشکلاتی که همواره بشر را تهدید می‌کند، فتنه است. فتنه، فضای جامعه را تیره‌وتار می‌نماید؛ به طوری که دیدن حقیقت در آن فضا، بسیار سخت است. مقام معظم رهبری در تعریف فتنه فرموده است:

«فتنه، یعنی حادثه غبارآلودی که انسان نتواند بفهمد چه کسی دشمن است و چه کسی با غرض وارد میدان شده و از کجا تحریک می‌شود.»^۴

مبارزه با فتنه، روشن بینی و بصیرت می‌خواهد و راه کسب بصیرت و نجات از فضای خاکی و

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. ابن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۸۷.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۸ مرداد ۱۳۷۸.

جو دودآلود فتنه نیز کمک گرفتن از قرآن است. قرآن، توان مقابله با فتنه و نجات از آن را برای ما ایجاد می‌کند. امام صادق علیه السلام از پدران^۱ش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَمَا حِلٌّ مُصَدِّقٌ؛^۱ هنگامی که فتنه‌ها، همچون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید؛ زیرا قرآن، شفیع است که شفاعتش [درباره کسی که بدان عمل کند،] پذیرفته است و واسطه‌ای است که سخنش نزد خدا تصدیق شده است.»

روشن است که مراجعه به قرآن، پس از گرفتاری به فتنه، بدون سابقه ارتباط عمیق با این کتاب هدایت‌آفرین نمی‌تواند کارساز باشد؛ بلکه آنان که دل‌وجانشان از جوانی به نور قرآن روشن شده و چشم بینا و بصیر پیدا کرده‌اند، در هنگام فتنه‌ها نورافکنی دارند که جلوی شان را روشن می‌کند؛ ولی کسی که پس از طوفان فتنه و ظلمانی شدن فضای اندیشه، دنبال چراغ نجات می‌گردد، به سختی می‌تواند راه برون‌رفت از لغزش و انحراف را بیابد.

اگر به نکات حدیث توجه کنیم، حقیقت یادشده را تصدیق خواهیم کرد. همان‌طور که گذشت، حضرت فرموده: «وقتی فتنه‌ها مانند پاره‌های شب ظلمانی شما را فراگرفت، به قرآن رجوع کنید.»

در پاسخ به این پرسش باید گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه فرمایش خود، قرآن را «شافع مُشَفَّعٌ معرفی کرده؛ یعنی قرآن هرگز شخصی را که با آن بیگانه بوده و آیاتش را تلاوت نمی‌کرده، شفاعت نمی‌کند؛ چون آنها یکدیگر را نمی‌شناسند و ارتباط دوستی با هم ندارند. پس، برای نجات از فتنه‌ها، باید از پیش با قرآن مأنوس باشیم و وجود خود را با نور هدایتش روشنایی بخشیم تا هم از ظلمت فتنه‌ها نجات یابیم و راه را برای مستضعفان جامعه روشن نماییم.

۶. عامل شرح صدر

یکی از نیازهای جدی انسان برای زندگی سالم و شایسته در جامعه، داشتن شرح صدر است؛ چیزی که زندگی ماشینی امروزی، لطمات شدیدی به آن زده است. شرح صدر، همان فراخی فکر، وسعت قلب، گستردگی وجود و داشتن ظرفیت بالای تحمل مشکلات در مسیر

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵۹.

رسیدن به هدف والای الهی است. بنا بر احادیث اهل بیت علیهم السلام، قرآن کریم، عامل شرح صدر بوده، سبب عظمت شخصیت و بزرگی روح انسان می شود. علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الذِّكْرِ الْقُرْآنُ بِهِ تُشْرَحُ الصُّدُورُ وَتَسْتَنِيرُ السَّرَائِرُ»^۱ برترین ذکر، قرآن است که به وسیله آن، شرح صدر حاصل می شود و پوشیده ها روشن می گردد.»

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: شرح صدر چیست؟ حضرت فرمود: «نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ، فَيَنْشُرُ لَهُ صَدْرَهُ وَيَنْفَسِحُ؛ شرح صدر، نوری است که خدا در قلب هر کس بخواهد، می - افکند و در پرتو آن، قلب و جان او وسیع و بزرگ می شود.»^۲

برای فهم بیشتر شرح صدر، بایسته است به سوره انشراح مراجعه کنیم؛ «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ...»^۳ از مجموع آیات این سوره و شیوه بیان و ترتیب آیات آن، معلوم می شود که مراد از شرح صدر، آن است که دل و جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به گونه ای بسط و گسترش وجودی یافته بود که نه تنها همه معارف وحی به او القا می شد و او به طور کامل آنها را دریافت و تبلیغ می کرد، بلکه تمام رنج هایی را که از این ناحیه برای آن حضرت پدید می آمد، به آسانی تحمل می نمود؛ بدین معنا که نفس مقدس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کاملاً مستعد دریافت همه فیض الهی و انجام وظیفه خطیر رسالت شده بود.^۴ همین شرح صدر، سبب شده بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بتواند در برابر لجاجت ها و کارشکنی های دشمنان و مخالفان بایستد و پیروز شود.^۵

پس، اگر کسی می خواهد بزرگ شود و ظرفیت بالایی پیدا کند تا به هدف خویش برسد، باید به قرآن تمسک جوید. امام علی علیه السلام در اشاره به آثار شگفت و خواص معجزه آسای قرآن فرموده: «فِيهِ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَيَنْبِيعُ الْعِلْمِ وَمَا لِلْقَلْبِ جِلَاءٌ غَيْرُهُ»^۶ [آنچه] در قرآن است، سبب بهاری شدن دل ها و جوشش چشمه های دانش است و دل را جز با قرآن، جلا و روشنی نیست.» بدیهی است، دلی که جلا پیدا کند، محل جوشش علم و روشنایی گردیده، بزرگ و وسیع خواهد شد.

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۹، ش ۳۶۳۵.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۶۳.

۳. ر.ک: سوره انشراح.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۴۹.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۲.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

جایگاه و نقش شرح صدر در داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون که بارها در قرآن تکرار شده، بسیار قابل توجه است. حضرت موسی علیه السلام پیش از آنکه از خدا پیروزی و آسان شدن مشکلات را بخواهد، عرض می‌کند: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛^۱ خدایا! به من شرح صدر بده و سینه‌ام را فراخ کن.» پس از این درخواست، حضرت تقاضای آسان شدن امور را کرده است: «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي.»^۲ در جامعه‌ای که مردم فرعون را خدای خود می‌دانستند، باید شرح صدر داشت تا بتوان خدایی فرعون را به چالش کشید و زمینه را برای مبارزه عمومی با او آماده کرد. بنابراین، جامعه‌ای که آحاد آن با این کتاب آسمانی مأنوس باشد و در همه جوانب فردی و اجتماعی دستورات آن را سرلوحه امور خویش سازد، سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی را به دست خواهد آورد و در پرتو شرح صدر و آگاهی و بصیرت می‌تواند قله‌های کمال و دانایی را فتح نماید.

۱. طه، آیه ۲۵.

۲. طه، آیه ۲۶.